

امنیت فرهنگ پشتوانه اقتدار ملی در منطقه مکران (دریای عمان)

دکتر حسین احمدی، گروه تاریخ دفتر تألیف کتب درسی
نازیا ملک محمودی، گروه جغرافیا دفتر تألیف کتب درسی

بسیار زیبا بیان می‌کند و می‌فرماید: "وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قُرْبَىٰ كَانَتْ أُمَّيًّا مُّطْمَئِنِّيًّا يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ"؛

خداوند بر آنان که نعمت‌های الهی را ناسپاسی کردند مثلی زده است؛ منطقه پر رونق و آبادی که سرشار از امنیت و اطمینان بود و رزق و روزی‌اش به وفور از هر مکانی فرا می‌رسید، ولی نعمت‌های خداوند را ناسپاسی و کفران کردند و خداوند هم به سبب اعمالشان لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشاند.^۲

به بیانی بهتر در فرهنگ قرآنی، امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمام ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید دارد که با اقتدار و انسجام و وحدت و ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند.^۳ از منظر حضرت علی (ع) نیز، مفهوم امنیت تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، داخلی، خارجی، روحی، اخلاقی، اعتقادی، دنیوی و اخروی را شامل می‌شود.^۴

در فرهنگ اسلامی، امنیت چنان جایگاه و حساسیتی دارد که مسلمانان آن را جزء اساسی‌ترین نیازهای روزانه خود به حساب می‌آورند و برای تأمین حفظ و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. امام صادق (ع) در تعلیمات خود به هنگام نیایش، از خداوند بی‌نیاز می‌خواهد که در هر روز امنیت زندگی او را تأمین فرماید: «اللَّهُمَّ اَحْتِمِ بِالْأَمْنِ وَاِیْمَانِ کَلِمَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ أَوْ غَرِبَتْ» (پروردگارا! هر گاه خورشید طلوع یا غروب می‌کند، آن روز را برای من همراه با امنیت و ایمان به پایان برسان).^۵

به تعبیری آزادی، تربیت و امنیت سه مؤلفه اساسی در رشد همه موجودات زنده‌اند و عوامل مهم بقا و تداوم حضور آنان در عرصه حیات به شمار می‌آیند.^۶ از بُعد فقه سیاسی نیز مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنای آن است که

کلیدواژه‌ها: امنیت، امنیت ملی، مکران، سیستان، بلوچستان، پاکستان، مار کوپولو، جاذبه‌های گردشگری، صنایع دستی، جاذبه‌های تاریخی، رودوزی، سفالگری، سرمایه‌سازی

معنا و مفهوم امنیت

امنیت^۱ در لغت به معنای فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است و به قلمروهای فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شود.

در گذشته تعریف امنیت معطوف به حفظ بقا و موجودیت (نیاز به غذا، مسکن، پوشاک و...) بود، اما به مرور زمان و در نتیجه تحولات تاریخی، حفظ بقا و موجودیت از تعریف امنیت خارج و به هدف امنیت تبدیل شد و تعریف جدید امنیت بر «فقدان تهدید» تمرکز یافت. این تحول در تعریف، نتیجه تحول در ساخت جوامع و تبدیل جوامع بدوی به جوامع مدنی مبتنی بر دولت سرزمینی بود.^۲

می‌دانیم که نیاز به امنیت یکی از نیازهای اصلی انسان امروز است و بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی وجود آن را واجب‌تر از آزادی می‌دانند. البته تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه شاخه‌های توسعه و حیات انسانی، نقشی بنیادین به آن داده است.

بر مبنای اندیشه فیلسوفان و مصلحان اجتماعی نیز، امنیت شرط لازم و اساسی در تحقق توسعه سیاسی یا اقتصادی و مقدمه واجب برای تبلیغ، ترویج و تسلط ارزش‌های غیرمادی در جامعه است. در فرهنگ اسلامی نیز، مقوله امنیت از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

براساس آموزه‌های دینی، کسی که به خدای قادر و توانا ایمان می‌آورد و بر آن ذات لایزال توکل می‌کند، در حقیقت خویش را در وادی امن الهی جای داده و در پناه امنیت خدایی قرار گرفته است. قرآن کریم نیز در بیانی تمثیلی نقش کارساز امنیت را در رشد و بالندگی جامعه

نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود هراس و بیم نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند.^۸ با جمع‌بندی تعاریف ارائه شده از واژه امنیت می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱. امنیت یک ارزش است و اغلب ارزشی برای رسیدن به سایر ارزش‌ها به شمار می‌آید.

۲. برای امنیت می‌توان مراتب و منازل و درجات مختلف در نظر گرفت، زیرا میزان احساس تهدید و انتظار از آینده در نزد اقوام و ملت‌های گوناگون متفاوت است و تنها معطوف به حفظ ارزش‌های گذشته و حال نیست، بلکه به نوعی خواسته‌های مادی و معنوی آینده را نیز شامل می‌شود.

۳. امنیت به حداقل رساندن تهدید و خطر است؛ تهدیدی که تنها از نوع سنتی و نظامی نیست و خطرات جدید غیرنظامی نسبت به رفاه ملی را نیز در برمی‌گیرد.^۹

۴. امنیت از بُعد سلبی، نبود تهدید خارجی است و جنبه سخت‌افزاری دارد، اما از بُعد ایجابی وجود یا ایجاد رضایت داخلی در یک جامعه است و جنبه نرم‌افزاری دارد. البته میان امنیت داخلی و امنیت خارجی رابطه مستقیم وجود دارد و به نسبت رضایتمندی یا نارضایتی عمومی از حاکمیت داخلی، تهدیدات خارجی نیز متغیر و متفاوت خواهد بود.

امنیت ملی به چه معناست؟

می‌دانیم که در دنیای امروز مقوله امنیت در قالب امنیت ملی تعریف و تبیین می‌شود اما مهم‌ترین پرسش این است که امنیت ملی چیست؟ از یک منظر کلی امنیت ملی از لحاظ مفهومی و اصطلاحی نامفهوم و مبهم می‌نماید و نامشخص ماندن حوزه و محدوده آن، راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت نخبگان سیاسی و نظامی باز گذاشته است.^{۱۰} با این حال برخی از صاحب‌نظران امنیت ملی را تابعی از متغیر تهدیدات خارجی و عمدتاً نظامی می‌دانند و شرایط امنیتی مطلوب در سطح ملی را افزایش توانمندی واحد دولت ملی برای مقابله با تهدیدات خارجی به‌شمار می‌آورند اما در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان همه‌گرایش‌های نامطلوب و عوامل داخلی بی‌ثباتی در سطح ملی را جزء حوزه تهدیدات امنیت ملی قلمداد می‌کنند.^{۱۱} در این رویکرد، اهداف اصلی امنیت ملی عبارت‌اند از:

۱. حفظ و دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی در مقابل تهدیدات؛

۲. تأمین ثبات سیاسی کشور و حفظ آن؛

۳. توسعه و رشد اقتصادی؛

۴. تأمین رفاه جامعه و ارتقای سطح زندگی؛

۵. حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و فرهنگی؛

۶. تأمین و حفظ سلامتی محیط زیست؛

۷. فراهم کردن آسایش خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی.^{۱۲}

قدرت ملی آمیزه‌ای از مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی و فرهنگی است و بر مبنای ارزشی حاکم بر جوامع تکیه دارد. بر این اساس فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف، میزان قدرت ملی را مشخص و معین می‌کند. از آنجا که نحوه فعالیت در حوزه اقتصاد یا سیاست‌گذاری در بخش‌های دیگر از مبنای و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد و فرهنگ

مقوله‌ای است که متضمن مبنای ارزشی و فکری جوامع و جهت‌دهنده فعالیت‌های فردی و اجتماعی است، می‌توان گفت که چارچوب اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی و حتی فعالیت‌های فرهنگی، متأثر از مبنای فرهنگی حاکم بر رفتارهای فردی یا حکومتی است، زیرا این مبنای و ارزش‌های فرهنگی است که به سیاست، اقتصاد، امور نظامی و اطلاعاتی هویت می‌بخشد و سمت و سوی حرکت آن‌ها را مشخص می‌سازد.

امنیت فرهنگی و شاخصه‌های مهم آن

امنیت فرهنگی که مهم‌ترین و نامحسوس‌ترین بُعد امنیت ملی است و در ذیل موضوع امنیت ملی قرار می‌گیرد و از مؤلفه‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود، به وضعیت و شرایطی اطلاق می‌شود که در جریان آن، یک ملت می‌تواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش، مسیر تکامل و پیشرفت را به‌سوی آینده بپیماورد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت:

۱. امنیت فرهنگی برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه امنیت ملی یک کشور است.

۲. امنیت فرهنگی مهم‌ترین وجه امنیت همه‌جانبه و پایدار است.

۳. امنیت فرهنگی، هم‌زمینه‌ساز تحقق سایر وجوه امنیت است و هم می‌توان گفت که اصولاً امنیت در سایر حوزه‌ها بدون امنیت فرهنگی مفهومی ندارد.

۴. توجه به عناصر فرهنگی و فرهنگ‌گرایی در روابط بین‌الملل، شاخصه نظریه‌های جدید امنیت ملی و جهانی است.

۵. امنیت فرهنگی کارکردی بسیار فراگیرتر از قدرت ملی یا وجهی از وجوه امنیت ملی دارد.

۶. نظریه‌پردازی در مورد جهانی شدن و وارد شدن جهان به یک دوران جدید، موضوع مشترک و فراگیری است که صبغه و ماهیت اصلی و جدید آن فرهنگ است.

۷. محیط اجتماعی و ملی کشورها، ماهیت فرهنگی پیدا کرده و گفتمان‌های موجود در روابط بین‌الملل عمدتاً تجاری و فرهنگی است.

۸. الگوهای امنیتی سنتی در عمل ناکارآمد شده و بازیگران شبکه‌ای همچون رسانه‌های چندوجهی جدید و شبکه‌های ارتباطی نوین به منصفه ظهور رسیده‌اند.

۹. در گذشته امنیت تابع متغیرهایی مانند توان نظامی، قدرت اقتصادی، سیاسی بود، ولی در رویکرد جدید، بنیاد امنیت بر فرهنگ است. بنابراین بر خلاف گذشته که فرهنگ به مثابه یک بُعد از امنیت تلقی می‌شد، اکنون به مثابه هویت امنیت معرفی می‌شود.

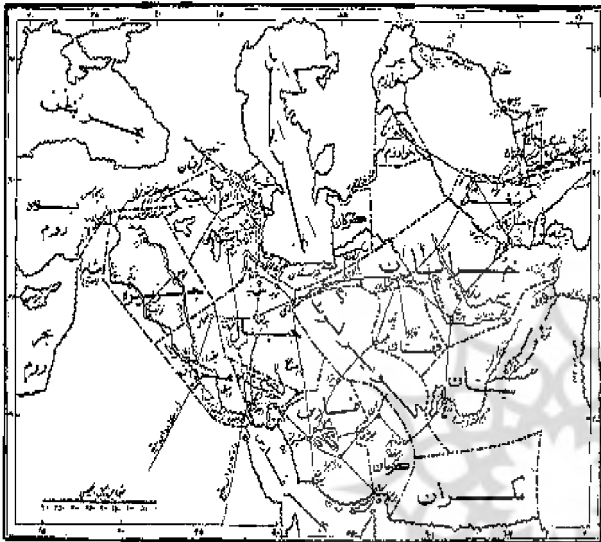
۱۰. پس از پایان جنگ سرد، الگوها و تئوری‌های جدید با ماهیت فرهنگی پدید آمده‌اند که بر فرهنگی شدن نظام روابط بین‌الملل تأکید دارند.

۱۱. اکنون مهم‌ترین تغییر در مفهوم مدرن و ایجابی امنیت، محیط و هنجارهاست؛ بنابراین فرهنگ امنیت ملی به مثابه تغییر محیط و هنجارهاست که این اتفاق، امنیت را متحول کرده است.

۱۲. برخلاف نگاه سنتی و سلبی به امنیت که امنیت اجتماعی را یک مقوله مستقل از جامعه می‌دانست، در نگرش جدید، حوزه امنیت ملی با مفاهیم جدیدی همچون مشارکت عمومی، رضایتمندی و امنیت اجتماعی ترکیب شده و مفهوم آن این است که تحولات و فرایندهای اجتماعی، بنیاد

جغرافیای تاریخی مکران

مکران از نظر تاریخی، سرزمینی ساحلی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان بوده که در طول خلیج عمان از رأس‌الکوه در باختر جاسک تا لاس بالا در جنوب خاوری ایالت بلوچستان پاکستان را در برمی‌گرفته است. مکران تقریباً شامل تمام بلوچستان ایران و پاکستان و بخشی از استان هرمزگان فعلی می‌شده است. بلوچستان در کتیبه‌های میخی داریوش هخامنشی در بیستون و تخت جمشید، **ماکا یا ماکه**^{۲۰} و ساتراپ چهاردهم به‌شمار می‌آمده است. در زمان پادشاهی ساسانیان نیز به این منطقه کوسون می‌گفتند.



این نام‌ها تا قبل از ورود اسلام به ایران در میان مردم محلی، معمول و رایج بوده است و شواهد تاریخی دلالت بر آن دارد که در قرن اول هجری نیز، هنگامی که اعراب مسلمان بر نواحی شرقی ایران تسلط یافتند، این منطقه نام مکران بر خود داشته است و جغرافی‌نویسان اسلامی نیز آن را با همین املا ضبط کرده‌اند.^{۲۱}

بنابراین می‌توان گفت که برای سال‌های متمادی سرزمین کنونی بلوچستان، مکران نامیده می‌شده و جهانگردان عرب نیز با همین نام از این منطقه یاد کرده‌اند. برای مثال حمدالله مستوفی در کتاب *نزه‌القلوب* خود مکران را با وسعتی زیاد و از اقلیم دوم می‌داند که دارای آب و هوای گرم و مزارع و عمارت‌های فراوان است.^{۲۲} مؤلف تقویم‌البلدان نیز موقعیت جغرافیای مکران را بر دهانه دریای فارس در جانب شرقی می‌داند.^{۲۳} به باور یک جهانگرد انگلیسی نیز، مکران مرکب از دو واژه فارسی ماهی و خواران (ماهی‌خواران) است که بر اثر کثرت استعمال به مکران تبدیل شده است.^{۲۴} بر همین مبنا **سرپرسی سایکس** نیز بر این باور است که در زمان پادشاهی اسکندر منطقه مکران را به دلیل نزدیکی به دریا «ایکتیوفاجی» یا ماهی‌خواران و ناحیه مشرف به داخل ایران را گندروسیا می‌نامیده‌اند.^{۲۵} ظاهراً یونانیان به بلوچستان اربابه نیز می‌گفتند، زیرا **نئارک**، دریاسالار اسکندر مقدونی، که در سال ۳۳۶ قبل از میلاد با کشتی‌های تحت فرماندهی خود از مصب رود سند گذشته و به سواحل مکران و تنگه هرمز رسیده است، در این باره می‌نویسد: «اوایل آبان‌ماه (مطابق با دوم اکتبر ۳۳۶

امنیت ملی است و امنیت ملی، مقوله‌ای برآمده از درون جامعه و پدیده‌ای ریشه‌دار است.

در رویکرد ساختارگرایانه، بنیان‌های اصلی سیاست و امنیت زائیده ساختارهای اجتماعی هستند و هویت و منافع متغیرهای درونی به‌شمار می‌آیند که بازیگران صحنه سیاست به ساختن و پرداختن آن‌ها می‌پردازند.^{۱۳}

پساساختارگرایان نیز توجه ویژه‌ای به مفهوم فرهنگی هویت دارند و در سنت نظری آنان بر این نکته تأکید می‌شود که کنش دولت‌ها در حوزه امنیت در حقیقت، بر این تلاش آن‌ها برای بازتولید هویت است، زیرا تهدید هویت ملی به‌عنوان هسته امنیت فرهنگی، زمینه را برای گسترش هویت‌های فرهنگی و قومی در میان گروه‌های مختلف یک کشور فراهم می‌کند.^{۱۴}

به عبارت دیگر، در صورت عدم حمایت یک دولت از فرهنگ بومی، آثار جانبی و بازخوردهای ناخواسته مناسبات فرهنگی، پیامدهای سیاسی ناگواری را برای آن کشور به همراه خواهد داشت.^{۱۵} بُعد امنیتی حوزه فرهنگ از تهدیداتی نیست که به چهار دلیل عمده به‌وجود آمده‌اند:

۱. کاهش کنترل حکومت‌ها بر فضای اجتماعی خود؛
 ۲. پیدایش و گسترش حرکت‌های جدایی‌طلبانه فراملی؛
 ۳. افزایش نفوذ قدرت‌های خارجی؛
 ۴. تغییر و تحول در چارچوب‌های داخلی و خارجی.
- بر این مبنا با دو موج از تهدیدات امنیتی برای دولت‌های امروزی روبه‌رو هستیم:
- الف) تهدیدات ناشی از واگرایی هویت‌های فراملی نسبت به هویت فرهنگی ملی؛

ب) تهدیدات ناشی از اندیشه جهانی‌شدن و یکسان‌سازی ارزش‌ها و شیوه زندگی.^{۱۶}

امروزه فرهنگ به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت کشورها اهمیتی روزافزون در امنیت یافته و نامنی فرهنگی به معضلی برای جوامع تبدیل شده است. نامنی فرهنگی نیز به نوبه خود موجب نامنی‌های اجتماعی می‌شود و مواردی مانند شیوع فساد در جامعه، قاچاق انسان‌ها، مفاسد مالی، فرقه‌های انحرافی، تروریسم و رفتارهای خشونت‌آمیز از مصادیق آن به‌شمار می‌آیند.^{۱۷} این مطلب نیز حائز اهمیت است که امنیت فرهنگی موضوعی بین‌ثبات فرهنگی و تغییر فرهنگی است و باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که اصالت هویتی تغییر نکند.^{۱۸}

البته این نکته از دید رهبری و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران پنهان نیست و ضرورت مقابله با آن به همگان هشدار داده شده است. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه فرموده‌اند: «این جانب به مسائل فرهنگی بهای بسیاری می‌دهم و اعتقاد راسخ دارم که قوام یک کشور و ملیت یک ملت به فرهنگ آن است و بیش از هر چیز فرهنگ یک ملت، وجه تمایز آن را با سایر ملت‌ها نشان می‌دهد.»^{۱۹}

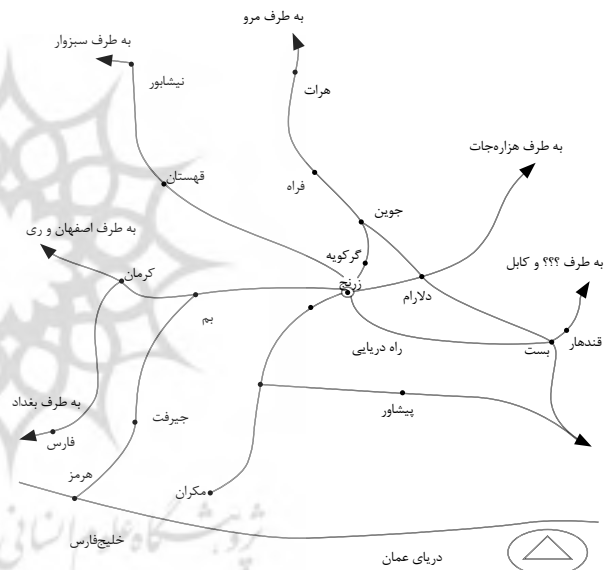
این چارچوب نظری و پیکره‌بندی فکری به ما کمک خواهد کرد تا با تأمل اجمالی در جغرافیای تاریخی و پیشینه سیاسی و فرهنگی منطقه مکران و استان سیستان و بلوچستان، به پتانسیل‌ها و توانمندی‌های فرهنگی این خطه مرزی ایران توجه بیشتری داشته باشیم.

قبل از میلاد مسیح، مصادف با سال یازدهم سلطنت اسکندر) سفر تاریخی خود را شروع کردیم. اوایل آذرماه همان سال به سواحل اربابه (نام یونانی بلوچستان) رسیدیم.»^{۲۶}

مار کوپولو نیز از سرزمین بلوچستان به نام کسماکوران یا کسمه کوران یاد کرده و یادآور شده است که کسماکوران، ایالتی است که شاهی بر آن حکومت می‌کند. مردم آن با زبان خاص خود گفت‌وگو می‌کنند و بیشتر مردم آن مسلمان‌اند؛ هرچند بت‌پرستانی هم در آن‌جا زندگی می‌کنند.^{۲۷} به اعتقاد ریچارد فرای، مردم بلوچ ساکن در منطقه مکران تا قبل از قرن یازدهم میلادی به این ناحیه نیامده بودند.^{۲۸}

اهمیت تاریخی منطقه مکران

مکران (بلوچستان) در تمام دوره‌های تاریخی ایران از اهمیت ویژه سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی برخوردار بوده و علاوه بر بروز تحولات سیاسی و فرهنگی مهم در این منطقه، از بُعد اقتصادی و تجاری نیز مسیر جادهٔ ادویه به‌شمار می‌آمده است.



تشکیل اولین حکومت مستقل ایرانی بعد از اسلام به‌دست یعقوب لیث صفاری در ۲۴۸ ق یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی این زمان است. **یعقوب لیث** اعتقادات شدید شیعی داشته است و شاید یکی از عوامل گسترش مذهب شیعه در منطقه سیستان نیز وجود حکومت صفاریان بوده باشد. این ناحیه تا قبل از هجوم ویرانگر مغولان به‌دست قراختایان کرمان اداره می‌شد و آبادی‌ها و ثروت فراوان داشت^{۲۹} و در دورهٔ پادشاهی خوارزمشاهیان نیز جزئی از قلمرو حکومتی آنان به‌شمار می‌آمد.^{۳۰} ظاهراً این ناحیه پناهگاه مطمئنی برای مخالفان و شورشیان سیاسی بوده است و بیشترین کسانی که علیه خلفای اموی و عباسی طغیان می‌کردند، سیستان را مکانی امن برای نجات از مجازات خلیفه می‌دانستند. این سابقه فرهنگی توجه خاص مغولان و سپس تیموریان را به این منطقه جلب کرد و به سبب تاخت و تاز این مهاجمان، سیستان دچار ویرانی و خرابی فراوانی شد.^{۳۱} در دورهٔ حاکمیت ایلخانان نیز، مکران زیر نظر حکومت کرمان قرار

داشت و منابع موجود از قوم بلوچ در کنار اقوام دیگری مانند سجزی‌ها، خلجی‌ها و نکودری‌ها به‌عنوان گروهی که علیه حکومت مرکزی طغیان کردند، یاد می‌کنند.^{۳۲} در سال ۷۴۹ ق نیز منطقهٔ مکران شاهد حضور شجاع‌الدین امیر مبارزالدین محمد و سپس سپاهیان امیر شیخ ابواسحاق بود.^{۳۳} در زمان تیمور لنگ نیز این نواحی جزئی از قلمرو تیموریان به‌شمار می‌آمد که در ابتدا امیرزاده میران‌شاه و سپس امیرزاده بهادر به سمت گرمسیر و مکران فرستاده شدند و دست به چپاول و غارت مردم این منطقه زدند.^{۳۴}

پس از زوال قدرت تیموریان، با روی کار آمدن حکومت‌های محلی و حتی ظهور سلسلهٔ صفویه در ایران، مکران به شکل مستقل اداره می‌شد. تنها در عصر پادشاهی **شاه‌عباس اول** بود که حاکمیت صفویه بر این ناحیه تثبیت شد. اما در زمان جانشینان وی، بازخوانین محلی بلوچ بر مکران حکمرانی کردند و در زمان پادشاهی شاه‌سلطان حسین صفوی طغیان کردند و تا کرمان و یزد و لارستان را مورد تاخت و تاز و غارت قرار دادند و با همراهی افغانه، زمینهٔ سقوط صفویان را فراهم کردند. به نظر می‌رسد که بی‌توجهی حاکمیت صفوی به اقلیت‌های قومی و دینی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز این شورش‌ها بوده باشد. در عین حال، بلوچ‌های ایرانی به سبب وابستگی به پیکرهٔ جامعه ایرانی برخلاف هم‌زادان خود در پاکستان، هیچ‌گاه اعلان خودمختاری نکردند.

با ظهور **نادرشاه** در صحنهٔ سیاسی ایران و حملهٔ وی به نواحی شرقی برای سرکوب اقوام مهاجم و تثبیت مرزهای شرقی، مکران به نام بلوچستان خوانده شد و حاکمان آن از طرف حکومت افشاریه انتخاب شدند، تا اینکه با مرگ نادرشاه منطقهٔ بلوچستان به تصرف **احمدخان درانی**، امیر کابل، درآمد و بعد از وی میان سرداران محلی تقسیم شد.^{۳۵}

در دورهٔ اول حاکمیت قاجارها نیز، ادارهٔ ایالت بلوچستان به والی کرمان داده شد اما عدم توجه جدی حکومت مرکزی به این ناحیهٔ مرزی از یک سو و اهمیت سوق‌الجیشی این منطقه برای استعمار انگلیس از سوی دیگر، زمینهٔ تجزیهٔ بلوچستان را فراهم کرد.^{۳۶} گرچه با آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه و توجه ویژهٔ امیر کبیر به بلوچستان، برخی از سرداران و حاکمان نواحی مختلف این ناحیه، داوطلبانه اطاعت خود را از دولت قاجار اعلام کردند^{۳۷} و صدراعظم فهیم ایران با آگاهی کامل از سیاست‌های انگلیس مانع از تجزیهٔ این ناحیهٔ مرزی شد^{۳۸}، اما بعد از مرگ امیر کبیر و افزایش نفوذ سیاسی و فرهنگی انگلیس‌ها در بلوچستان به تدریج تجزیه و به دو بخش مجزا میان ایران و هندوستان (و سپس پاکستان) تقسیم شد.

بلوچستان ایران در اواخر حکومت قاجار به و اوایل روی کار آمدن رضاخان به علت موقعیت استراتژیکی، عرصهٔ رقابت و فعالیت بیگانگان به‌ویژه انگلیس و آلمان بود و پهلوی اول در راستای سیاست تمرکزگرایی و رسیدن به اهداف خود و اسکان و خلع عشایر در سال ۱۳۰۷ ش فرمان لشکر کشی به بلوچستان را صادر کرد. در این زمان شورش‌هایی مانند شورش **جمعه‌خان اسماعیل‌زهی** در بلوچستان علیه حکومت مرکزی صورت گرفت که اعتراض به حضور بیگانگان و واکنش به کشف حجاب و واقعهٔ مسجد گوهرشاد از مهم‌ترین دلایل آن بود. به‌علاوه، استان سیستان و بلوچستان به لحاظ مجاورت با مرز و حوادث تاریخی و ترکیب جمعیتی و مذهبی آن در دوران رژیم گذشته مورد مراقبت دستگاه و سازمان امنیت قرار داشت و به‌خاطر بدی آب و هوا و کویری بودن آن تبعیدگاه علمای

مارز و انقلابی بود، چنان‌که مقام معظم رهبری به سه سال اقامت اجباری در شهرستان ایرانشهر محکوم شد و دیگر بزرگان نیز کم و بیش دوران تبعید خود را در شهرهای این استان سپری کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، افراد غیربلوچ و ضدانقلاب با عنوان حق خودگردانی اقلیت در ایران و طرح اختلافات سنتی و شیعه یا به منطقه سیستان و بلوچستان گذاشتند. هدف اصلی آن‌ها جلب حمایت مردم بلوچستان و بسیج بلوچ‌ها برای شرکت در حرکت‌های سیاسی علیه حکومت مرکزی و انقلاب اسلامی بود.

در این میان دو گروه مارکسیستی فداییان خلق و پیکار و گروهی از طرفداران نظام سلطنتی از سایر گروه‌ها فعال‌تر بودند. چپ‌گرایان غیربلوچ با سازمان‌دهی و ایجاد محافل فرهنگی و انتشار نشریات ادواری، اندیشه خودمختاری بلوچ را طرح و تبلیغ می‌کردند. برای مثال فداییان به همین منظور در زاهدان مؤسسه‌ای به نام کانون سیاسی - فرهنگی خلق بلوچ تشکیل دادند که هدفش طرح و تبلیغ اندیشه هویت قومی بلوچ در برابر فارس‌ها بود.

طبق برخی گزارش‌ها، افسران سابق ارتش شاه، فرماندهی جناح نظامی این گروه‌های بلوچ را بر عهده داشتند. این تشکل‌های بلوچ و سلطنت‌طلب به‌ویژه در دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی در بلوچستان فعال بودند و با این شیوه، نارضایتی مذهبی بلوچ‌ها را تشدید می‌کردند.

مهم‌ترین گروه چپ‌گرای بلوچ، یعنی سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان نیز از حمایت‌های گسترده سازمان فداییان خلق در مرکز برخوردار بود. این گروه بلوچ با مارکسیست‌های ایرانی نیز همکاری و همراهی می‌کرد. رحمت حسین پور، رهبر این گروه با اعضای برجسته سازمان‌های مارکسیستی غیربلوچ در تهران نیز روابط نزدیک داشت. اما با رهنمودهای رهبری انقلاب و هوشیاری نیروهای امنیتی و وفاداری مردم سیستان و بلوچستان، توطئه تجزیه مجدد این منطقه خنثا شد.

جمهوری اسلامی و مقوله امنیت در سیستان و بلوچستان

مساحت استان سیستان و بلوچستان ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، یعنی حدود ۱۱/۴ درصد از کل مساحت ایران است که از این مقدار، ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع مربوط به سیستان و ۱۷۲۳۰۵ کیلومتر مربع مربوط به بلوچستان است. مهم‌ترین شهرهای بلوچستان عبارت‌اند از: زاهدان، چابهار، سراوان، خاش، زابل، نیک‌شهر و ایران‌شهر.



استان سیستان و بلوچستان

از لحاظ طبیعی، استان شامل دو قسمت جداگانه به نام‌های سیستان و بلوچستان است. سیستان در شمال استان و بلوچستان در جنوب این منطقه واقع شده است. بلوچستان از شمال به سیستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان، از شرق به پاکستان و از غرب به کرمان و هرمزگان محدود می‌شود. بلوچستان به چهار بخش تقسیم می‌شود: بخش‌های سرحد، سراوان، بمپور و مکران. ولی از نظر جغرافیای تاریخی شامل دو بخش است:

۱. ناحیه شمالی (سرحد)؛

۲. ناحیه جنوبی (مکران).

ساختار سیاسی - اجتماعی سنتی در بلوچستان متأثر از جغرافیای منطقه میان دو بخش شمالی و جنوبی، متفاوت است. در حوزه‌های کوهستانی واقع در شمال این منطقه یک ساختار قبیله‌ای وجود دارد. در این ساختار، نحوه معیشت و اقتصاد مردم دامداری و کوچروی است و ارتباطات قومی از مشخصات بارز آن است.

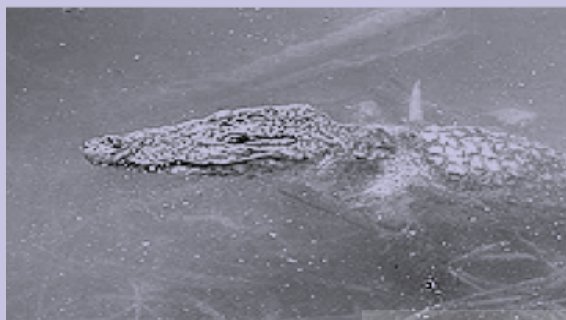
در بخش‌های جنوبی بلوچستان، اقتصاد کمتر مبتنی بر گله‌داری و بیشتر به سمت کشاورزی متمایل است. در این بخش‌ها ساختار قبیله‌ای به قدرتمندی ساختار بلوچستان شمال نیست و سلسله‌مراتب در ساختاربندی بیشتر بر اساس مالکیت زمین شکل می‌گیرد. در این بخش، یعنی در ساحل مکران، ماهیگیری نیز بخشی از درآمد افراد را تأمین می‌کند. موقعیت جغرافیایی بلوچستان به گونه‌ای است که امکان ارتباط بلوچ‌های ایرانی را با چندین مکان دیگر فراهم می‌سازد، از جمله رابطه با پاکستان، دریای عمان به تبع آن ارتباط با مردم عرب‌زبان (حاشیه خلیج فارس) و نیز ارتباط با شرق آفریقا. این ارتباطات در قالب روابط تجاری، چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی، مطرح است و بخشی دیگر به ارتباطات انسانی میان این حوزه‌ها مربوط می‌شود.

این ناهمگونی جغرافیایی و حضور اکثریت قوم بلوچ در آن، در کنار مسائل مذهبی و موقعیت خاص جغرافیایی، ایجاد امنیت - اعم از امنیتی و فرهنگی - را با مشکل مواجه کرده است. تلاش گسترده و بی‌وقفه دشمنان ایران اسلامی در جهت شعله‌ور ساختن نزاع‌های قومی و قبیله‌ای نیز مزید بر علت شده و جمهوری اسلامی هزینه سنگینی برای برقراری امنیت در این منطقه پرداخته است.

به‌علاوه، عواملی همچون افزایش جمعیت، بی‌سوادی، بیکاری و عدم اشتغال، نابرخورداری از امکانات زیربنایی چون بهداشت، آموزش، ورزش و تفریح، ضعف بخش‌های اقتصادی نظیر صنعت، کشاورزی و دام‌پروری، موقعیت بد جغرافیایی و اقلیم بیابانی و نیمه‌بیابانی، هوای گرم و خشک، بارندگی ضعیف و نیز گسستگی فضایی - طبیعی با مراکز اصلی نظیر پایتخت و شمال و غرب کشور، بلوچستان را در حاشیه قرار داده و در عمل سبب گسستگی فرهنگی و اقتصادی این بخش با سایر نواحی کشور شده است.

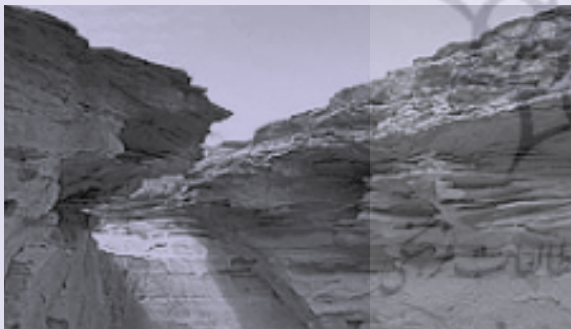
فقر شدید فرهنگی که ریشه در ساختار ایلی و عشیره‌ای دارد و نیز همسایگی و همجواری با کشورهای محروم افغانستان و پاکستان، رفت‌وآمد آسان اتباع خارجی و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد نیز از دیگر مشکلات جدی این منطقه مرزی و سوق‌الجیشی است. از بُعد انسان‌شناختی نیز بلوچ‌ها در مقایسه با دیگر اقوام ایرانی تمایلات انزواگرایانه بیشتری دارند و عموماً گرایش کمتری به ایجاد ارتباط با بیرون و ازدواج برون‌قومی از خود نشان می‌دهند. گویا اینکه موقعیت جغرافیایی اقوام معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر

بلوچستان در حوزه‌های مختلف گردشگری، صنایع دستی و هنرهای محلی و اکوتوریسم است. شیوه‌های مختلف معیشت و زندگی، موسیقی سنتی و دل‌انگیز صنایع دستی هنرمندانه و جذاب، آثار تاریخی و معماری کم‌نظیر، شهرهای باستانی چون شهر سوخته که با قدمت بیش از سه هزار سال قبل از میلاد روزگاری دراز یکی از مهم‌ترین مراکز شهرنشینی آسیا در عصر مفرغ بوده است، به همراه جلوه‌های طبیعی همچون ساحل دریای مکران، منطقه آزاد چابهار و دریاچه هامون، سیستان و بلوچستان را به یکی از استان‌های جذاب ایران در زمینه گردشگری تبدیل کرده است.



ایرانشهر:

پناهگاه حیات وحش / تماشای پوزه کوتاه گاندو / چشمه آب گرم بزمان حاشیه رودخانه دامن / حاشیه رودخانه باهو کلات حاشیه رودخانه بمبور / نخلستان‌های حاشیه رودخانه دامن / حاشیه رودخانه رابیچ یا فنوچ



چابهار: باغ‌های موز زرآباد، پناهگاه حیات وحش در باهو کلات، درخت انجیر کهن سال مرکز در تیس کوپان، سواحل دیدنی چابهار، غار بان مسیتی، غار تیس



خاش: درخت سرو چند هزار ساله میر عمر، دامنه و طبیعت کوه تفتان، غار چاهک، دامنه و قلّه تفتان، قلّه چهل تن

کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. متأسفانه شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به‌سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی به شدت تقلیل می‌یابد و در نهایت دولت جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت بالقوه با جنبش استقلال‌طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جداشده خویشت در آن سوی مرز است، مواجه خواهد ساخت. امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در داخل ایران و بخشی از آن‌ها در آن سوی مرز در همسایگی ایران ساکن هستند. هرچند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، اما به صورت معکوس موجب دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران شده است و معمولاً افکار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد کشور می‌شود. وجود کانون‌های فعال بحران‌های قومی و مذهبی در جداره‌های همسایگان ایران مثل هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین اشغالی و دیگر نقاط خاورمیانه نیز ممکن است کل منطقه را در شعله‌های آتش فتنه غوطه‌ور کند و به سرعت با بحران‌های واگرایی قومی - مذهبی مواجه سازد.

چه باید کرد؟

در یک صورت‌بندی کلی، نخستین گام در جهت تأمین امنیت ملی و فرهنگی، تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی است. به بیانی بهتر، امنیت فرهنگی زمانی در جامعه تأمین می‌شود که آگاهی عمومی افزایش یابد و اذهان از چنان رشد و بینشی برخوردار شوند که موج‌های مخرب فرهنگی قادر به تخریب آن‌ها نباشند. به‌علاوه در شرایط امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی، زمینه بسط و توسعه آیین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم شده و در پی تولید و بازتولید ارزش‌های انسانی در جامعه، حفظ دیگر ارزش‌های حیاتی که منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و... ترجمان آن‌ها هستند، تضمین خواهد شد. همان‌گونه که اشاره شد امنیت فرهنگی ناظر بر محافظت از چارچوب فرهنگ جامعه است. امنیت در این زمینه حفظ قالب‌ها در فرایندی پویاست و پویایی فرهنگی نیز مستلزم پذیرش تحول تدریجی است، به‌نحوی که جامعه با حفظ چارچوب فرهنگی، خود را نو به نو کند و از کهنگی و مندرس شدن مصون بدارد.^{۲۰} اما به‌طور خاص در مورد ایجاد امنیت فرهنگی در منطقه سیستان و بلوچستان و کمک به اقتدار ملی چه باید کرد؟

مهم‌ترین نکته‌ای که توجه به آن از بُعد سیاسی و تاریخی حائز اهمیت است، تأکید بر هویت ملی در کنار عنایت به هویت محلی و قومی در کتاب‌های درسی است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش به کمک کارشناسان حوزه‌های مختلف علمی و تربیتی در پی تحقق آن است؛ رویکردی که می‌تواند با اهمیت دادن به خرده‌فرهنگ‌ها و نکات ارزنده و آموزنده موجود در آن‌ها، زمینه همگرایی و همبستگی بیشتر را در سطح ملی فراهم و شرایطی را مهیا کند که اقلیت‌های قومی مانند بلوچ‌ها نیز خود را از بُعد فرهنگی محروم و منزوی ندانند.

نکته دیگری که بسستر لازم را برای امنیت فرهنگی و بالطبع امنیت و اقتدار ملی فراهم می‌کند، توجه به توانمندی‌های فرهنگی منطقه

جاذبه‌های تاریخی



ایران‌شهر: قلعه بمپور، قلعه ناصری یا قلعه ایران‌شهر، محوطه تاریخی اسپید دژ، قلعه دامن



چابهار: امام‌زاده غلام‌رسول، تپه گل‌افشان در فاصله کهیر، قلعه پرتغالی‌ها، قلعه قدیمی تیس، مسجد جامع تیس، منطقه آزاد تجاری



زاهدان: دامنه کوه ملک‌سیاه، چشمه آب معدنی موسی، حاشیه رودخانه سیانجان یا تلخ‌آب، غار لادیز، غار کرمانچی



سراوان: درخت کهن سال سرو سر جو، چشمه اهوران، حاشیه رودخانه ماشکل یا ماکشید، حاشیه رودخانه ناهوک، غار مولتان

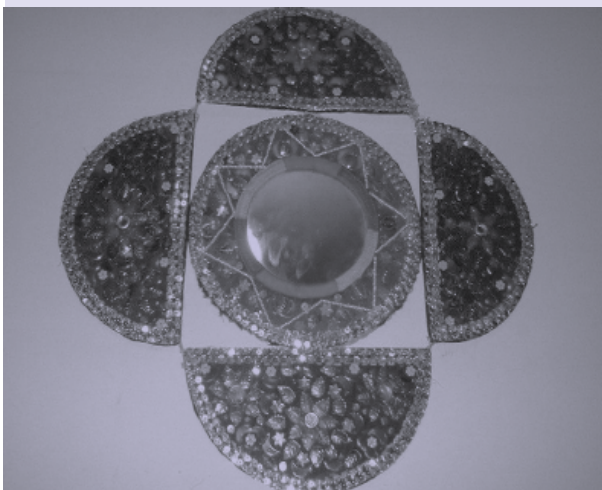
خاش: قلعه تاریخی خاش، زیارتگاه مرتضی علی، قلعه حیدرآباد، مسجد جامع خاش، گورستان چند هزار ساله هفتاداملا



زاهدان: بقایای کاروان‌سرای قدیمی، بازار سرپوشیده، زیارتگاه



نیک‌شهر: آبشار اوگینگ، تنگ سرحه، تنگ فنوج، حاشیه رودخانه کهیر، منطقه گردشگری آبد، منطقه گردشگری گرگان، منطقه گردشگری بلپیر، منطقه گردشگری شالمال



بیشترین تولید در این زمینه در بلوچستان و خراسان صورت می‌گیرد. سوزن‌دوزی یکی از مهم‌ترین انواع رودوزی است و این صنعت دستی در تمام منطقه بلوچستان به جز چابهار که در آن ماهیگیری رایج است رونق دارد. سوزن‌دوزی به بلوچ‌دوزی معروف است و سند هویت و نوعی هویت و موجودیت زن بلوچ به شمار می‌آید.

هنر دست زنان بلوچ چنان جذابیت و انعطافی دارد که اکثر طراحان لباس و مد ایرانی و همچنین سایر صنایع تولیدی طرح‌های مورد نظر خود را با محوریت سوزن‌دوزی بلوچ و با الهام از نقش و نگار این هنر دست زنان ایرانی مزین می‌کنند.

امروزه بیشتر لباس‌های تولیدی ایرانی نظیر مانتو یا روسری و همچنین لباس‌های تولیدی کشور چین مزین به نقش و نگار و اشکال سوزن‌دوزی بلوچ‌اند. البته بیشتر این طرح‌ها کار دست نیستند و به‌صورت چاپی انجام می‌شوند، اما در برخی پوشاک‌های ایرانی و برندهای معتبر، سوزن‌دوزی بلوچ به کار می‌رود.

با اینکه هنر سوزن‌دوزی و به تبع آن لباس‌های زنان بلوچ در کشور و حتی فراتر از مرزهای ایران توانسته است محبوبیت خود را در میان مردم و دوستداران فرهنگ و هنر ناب ایرانی حفظ کند، اما این صنعت در ایران با توجه به نبود بازاریابی مناسب برای محصولات آن فقط به‌صورت اختصاصی در بین قشر مرفه جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌دلیل محدودیت در عرضه این هنر، عامه مردم از دسترسی به این هنر اصیل محروم مانده‌اند.

سفالگری و سرامیک‌سازی دیگر شاخه‌های صنعت دستی منطقه هستند که مهم‌ترین سازندگان آن‌ها در محدوده شهرستان سراوان به‌ویژه در روستای **گلیبورگان** مشغول به کارند. ساخت این سفال‌ها بسیار ساده و سنتی انجام می‌شود و یکی از دلایل خرید این صنعت دستی از سوی خارجی‌ها شیوه تولید سنتی آن است. شیشه‌گری در حوالی شهرستان سراوان، توربافی به شکل کاملاً سنتی در نواحی ساحلی چابهار و جواهرسازی از دیگر موارد هنر مردم سیستان و بلوچستان است.

قالیچه‌های بافته‌شده در بلوچستان که به بلوچی معروف‌اند و توربافی نیز صنایع دستی چابهارها هستند که هنوز هم به‌صورت سنتی انجام می‌شوند. در مجموع، جمعیت صنعتگران دستی شاعل استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۷۹، سی هزار نفر گزارش شده که ده هزار

ملک‌سیاه، ساختمان اداری و تجاری قدیمی ساختمان شهربانی میرجاوه، ساختمان گمرک بلوچستان، قلعه تپه لادیز، مدرسه طالقانی، مسجد شاه‌علی، مسجد زرنج، معماری صخره‌ای روستای تمین



سراوان: آرامگاه ملک شمس‌الدین صفاری، آرامگاه شیخ محمد مرشد، آرامگاه ملابایان، آتشکده کوه مهرگان، سنگ‌نگاره‌های دره کندیک، سنگ‌نگاره‌های در شیر و پلنگان، شهر سوخته در مسیر زابل به زاهدان، مسجد جامع دزک، قبرستان قدیمی سموکان، قبرستان قدیمی کله‌گان، قلعه بلقیس، قلعه خیرآباد، قلعه هشک، قلعه بم‌پشت، قلعه هیتک، قلعه دزک، قلعه زابلی، قلعه هیدوچ، قلعه سب، قلعه سه‌کوهه در مسیر زابل - زاهدان، قلعه ملا، قلعه کوهک، قلعه کنت، محوطه باستانی کلاتک‌بخشان، محوطه باستانی کله‌برزاد، محوطه باستانی روابهک، محوطه باستانی مهتاب‌خزانه کوهک، محوطه باستانی میل مارو، محوطه باستانی پیر کهورد، محوطه باستانی میرسیدعمر.



نیک‌شهر: تپه دمبیگان، قلعه نیک‌شهر، قلعه قصر قند، قلعه بگ، قلعه چانف، قلعه مسکوتان، قلعه اسپکه، قلعه بنت، محوطه سیاه‌بن، محوطه هاتین یا خاتون، محوطه چهل دختران، مسجد جامع فنوج.^{۴۱} مهم‌ترین صنعت دستی منطقه بلوچستان رودوزی و بافتنی است. در واقع تنها استان‌هایی از کشور که به تولید این صنعت مشغول‌اند سیستان و بلوچستان، اصفهان، هرمزگان، آذربایجان شرقی و خراسان‌اند.

نفر آن‌ها در زمینه رودوزی فعالیت داشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که تقویت در بخش سوزن‌دوزی و سفال‌سازی در بلوچستان ایران می‌تواند نمایش شایسته‌ای از هویت بلوچی در داخل و خارج از کشور باشد.

سخن پایانی

بدون تردید امروز در کنار مرزهای سیاسی و برقراری امنیت نظامی در حدود جغرافیایی یک کشور، پاسبانی و پاسداری از مرزهای فرهنگی و استقرار امنیت فرهنگی نیز حائز اهمیت و درخور توجه است. وجود اقلیت قومی و نژادی در گستره سرزمینی ایران نیز، ما را به سوی این نکته رهنمون می‌کند که باید برای حفظ و حراست از امنیت ملی کشور به حوزه فرهنگ و فرآورده‌های فرهنگی همه اقوام و گروه‌های ساکن در قلمرو ایران توجه کرد و با ایجاد حس همدلی و هم‌رنگی در میان گروه‌ها و اقوام مختلف ساکن در قلمرو جغرافیایی کشور، باید زمینه مشارکت عمومی آن‌ها را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم ساخت.

در منطقه سوق‌الجیشی سیستان و بلوچستان ایران نیز، برقراری امنیت فرهنگی و اهمیت دادن به حضور فرهنگی مردم در فرایند هویت‌پذیری ملی، از مهم‌ترین ابزار و الزامات برای رسیدن به اقتدار، عزت و عظمت ملی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Security
2. خلیلی، رضا، «تحول تاریخی - گفت‌مانی مفهوم امنیت»، <http://www.yahayy.com/index.php?page=home> (۱۳۹۰/۶/۱۶).
3. سوره نحل، آیه ۱۱۲.
4. دزی نجف‌آبادی، قربانعلی، «نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان(ع)» مجله حکومت اسلامی، شماره ۴، ص ۲۸۳.
5. همان، ص ۲۹۲.
6. کلینی، شیخ‌محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۲، ص ۵۳۰.
7. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳، ص ۱۳.
8. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی (نظام سیاسی و رهبری در اسلام)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷۰.
9. لطفیان، سعیده، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۷۶.
10. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۴۸-۴۹.
11. حق‌پناه، جعفر، «قاجاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات راهبردی پیش‌شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۴۵.
12. «نگاهی به مفهوم امنیت ملی»، <http://ghur.blogfa.com/post/۱۴۷> (۸۹/۵/۱۸).
13. علی‌عبداله‌خانی، نظریه‌های امنیت، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶.
14. حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسمعیلی، «امنیت فرهنگی، مفهومی

فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی»، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۵، بهار ۱۳۸۸، ص ۷۷.

۱۵. باری بوزان، مردم - دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ویراستار مجتبی عطارزاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷.

۱۶. حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسمعیلی، پیشین، ص ۷۸.

۱۷. محمدجواد امیدوارنیا، امنیت در قرن بیست‌ویکم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، صص ۸۳-۹۶.

۱۸. حسام‌الدین آشنا، «یجاد نوآوری در حوزه تماس فرهنگی و خلق حوزه امنیت فرهنگ»، <http://ashna۱۳۴۳.persianblog.ir/> (۱۳۹۱/۱/۱۶)

۱۹. بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ، ۷۵/۹/۲۰. Maka

۲۱. ایرج افشار (سیستانی)، نگاهی به سیستان و بلوچستان، تهران، نشر خضایی، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵.

۲۲. مستوفی، حمدالله، نزهت‌القلوب، به کوشش لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ص ۲۶۲.

۲۳. عمادالدین اسماعیل‌بن نورالدین علی‌بن محمود ایوبی (ابوالفداء)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۳.

۲۴. افشار (سیستانی)، ایرج، پیشین، ص ۱۹۷.

۲۵. سعادت‌نوری، حسین (مترجم)، سفرنامه سرپرسی سایکس، تهران، انتشارات لوحه، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴.

۲۶. راثین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان، تهران، انتشارات سکه، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲۷. مارکوپولو، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه سیدمنصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، تهران، نشر گویش، ۱۳۶۳، ص ۲۱۴.

۲۸. فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۳.

۲۹. کرمانی، ناصرالدین، تاریخ قراختایان کرمان، تصحیح عباس اقبال، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۸، ص ۵۸.

۳۰. نسوی، شهاب‌الدین محمد، سیرت جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۵.

۳۱. بویل، ج. آ.، تاریخ ایران: پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۱۷.

۳۲. الهروی، سیف‌الدین محمد یعقوب، تاریخ‌نامه هرات، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵، ص ۶۴۸.

۳۳. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، طهوری، ۱۳۵۳، ص ۲۳۳.

۳۴. حافظ ابرو، زبدت‌التواریخ، تصحیح سیدکمال حاج سید جوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۹۷.

۳۵. افشار (سیستانی)، ایرج، پیشین، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۳۶. ارباب، علیرضا، «بلوچستان و قاجارها»، <http://rezaarbab.persianblog.ir/> (۱۳۸۷/۶/۷)

۳۷. سپاهی، عبدالودود، بلوچستان در عصر قاجار، قم، گلستان معرفت، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.

۳۸. بهزادی، عبدالرضا سالار، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۷۷ قمری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶.

۳۹. «دوران جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان»، <http://af.samta.ir/atlas/index.php?title=action>

۴۰. زمانی، علی اکبر و شفیع، جمال، «درآمدی بر رابطه امنیت و فرهنگ و آثار جهانی‌شدن در امنیت فرهنگی جهان سوم»، <http://www.sndu.ac.ir/frontpage> (۹۱/۱۰/۲۶).

41. <http://www.iran.ir/about/city/systan-baluchestan>.